

Balance of the Ayahs (Verses) of Jihad in Qur'an with Resort to Force in International Law

Seyed Mohammad Hassan Mousavi Khorasani¹

Javad Iravani²

Received: 07/01/2019; Accepted: 26/08/2019

Abstract

In international law, any threat or use of force is prohibited and there are only two major exceptions to it. One is the right to self-defense and another is military operation to maintain or restore international peace and security. On the other hand, the misconception of the teachings of Islam on Jihad has led to the emergence of Jihadi Takfiri sects. They believe in Elementary Jihad with an ideological purpose; this is in clear contradiction with international regulations. This article is structured through a descriptive-analytic method and of a library based approach and the question of the research is comparing the international standards with ayahs of Qur'an in the field of Jihad in order to determine their conformity. Considering the ayahs related to Jihad confirms the legitimacy and the need for defensive jihad. Defense in its general meaning that has some proponents in contemporary international law has a broad scope and embraces many of the wars which have been regarded as Elementary Jihad in Islamic history and jurisprudence. The results of this article demonstrate a kind of consistency between the material of ayahs of Qur'an and international law as to war and peace.

Key Words: War and Peace, Defensive Jihad, Elementary Jihad, Legitimate Defense, Resort to Force.



1 Faculty Member, Department of Law, Razavi University of Islamic Sciences, (Corresponding Author); Email: MMoosavikhorasani@yahoo.com.

2 Associate Professor, Department of Quranic Sciences, Razavi University of Islamic Sciences



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

موازنه‌ی آیات جهاد و قرآن با توسل به زور در حقوق بین‌الملل

سید محمدحسن موسوی خراسانی^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۱۷ - تاریخ پذیرش ۹۸/۰۶/۰۴
جواد ایروانی^۲

چکیده

در حقوق بین‌الملل، هرگونه تهدید و توسل به زور ممنوع است و فقط دو استثناء مهم نسبت به آن وجود دارد؛ یکی حق دفاع مشروع و دیگری، عملیات نظامی برای حفظ یا اعاده‌ی صلح و امنیت بین‌المللی. از سوی دیگر، برداشت غلط از آموزه‌های اسلام در باب جهاد، به ظهور فرقه‌های تکفیری جهادی انجامیده است. اینان، به جهاد ابتدایی با هدف ایدئولوژیک اعتقاد دارند؛ رویه‌ای که در تضاد آشکار با قوانین بین‌المللی است. این نوشتار، به شیوه توصیفی تحلیلی و روش کتابخانه‌ای سامان یافته است و مسأله‌ی تحقیق، تطبیق موازین بین‌المللی با آیات قرآن در موضوع جهاد است تا میزان انطباق این دو را مشخص سازد. بررسی آیات مربوط به جهاد، مشروعیت و وجوب جهاد دفاعی را تأیید می‌کند. دفاع به معنی اعم که در حقوق بین‌الملل امروز طرفدارانی دارد، دامنه‌ی گسترده‌ای داشته و بسیاری از جنگ‌ها را که در تاریخ و فقه اسلامی، جهاد ابتدایی تلقی شده نیز شامل می‌شود. نتایج این مقاله، نوعی همخوانی و هم‌سویی میان مفاد آیات قرآن و حقوق بین‌الملل را در رابطه با جنگ و صلح نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: جنگ، صلح، جهاد دفاعی، جهاد ابتدایی، دفاع مشروع، توسل به زور.

۱ عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

MMoosavikhorasani@yahoo.com

۲ دانشیار گروه علوم قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



مقدمه

کشورهای اسلامی همان گونه که مخاطب آموزه‌های اسلامی هستند، مخاطب آموزه‌های حقوق بین‌الملل نیز می‌باشند، چرا که آنها خود به عنوان یکی از اعضای جامعه ی بین‌المللی، در ایجاد حقوق بین‌الملل سهیم‌اند. هرچند کشورهای اسلامی به هنگام انعقاد معاهدات و ایجاد عرف بین‌المللی می‌بایست در چهارچوب شرع مقدس گام بردارند، اما در نهایت، نسبت به تعهدات بین‌المللی براساس اصل وفای به عهد، مسئول‌اند. در این میان، تبیین دیدگاه اسلام درخصوص جنگ و صلح که یکی از موضوعات مهم و تأثیرگذار در روابط بین‌الملل است، به کشورهای اسلامی این امکان را می‌دهد که در محافل حقوقی بین‌المللی، موازین مورد قبول در این رابطه را ارائه دهند و اسلام را از پیرایه‌هایی که به آن بسته می‌شود، مبری سازند. آنچه امروزه به عنوان مشکلی فزاینده مطرح شده، برداشت‌های غلط از منابع اسلامی خصوصاً قرآن کریم در باب جهاد، توسط فرقه‌های تکفیری است. این امر به تدریج منجر به ظهور گروه‌های خطرناکی چون «داعش» گردیده است. تفکر سلفیه ی جهادی براساس نگاه قشری به آیات و روایات، هدف جهاد را صرفاً مذهبی و ایدئولوژیک می‌داند و معتقد است «گسترش اسلام از طریق جهاد انجام می‌گیرد. حکم وجوب جهاد تا برپایی اسلام و مسلمان شدن جهانیان باقی خواهد بود و کفار و مشرکان یا باید مسلمان شوند و یا کشته خواهند شد.» (فوزان، ۱۴۳۰: ۱۶؛ المهاجر، بی تا: ۲۲) بدین سان، تعصب کورکورانه نسبت به یک ایدئولوژی با انگیزه تحمیل عقیده به دیگران، در قالب حرکات خشونت‌بار و تروریستی جلوه گر شده است. (Capella, 2007: 268-271)

مسأله تحقیق آن است که آیا موازین بین‌المللی توسل به زور با حد و حدود جهاد و اهداف آن در قرآن کریم انطباق دارد؟ بازخوانی ادله قرآنی در رابطه با جهاد و حقوق جنگ و صلح به‌ویژه از نظر مشروعیت و عدم مشروعیت، هم به کشورهای اسلامی در





سلوک متوازن در چهارچوب شرع و حقوق بین‌الملل کمک می‌کند و هم پاسخی به انحرافات عقیدتی و برداشت‌های ناستوار از ادله‌ی جهاد است.

در این مقاله، به بررسی تطبیقی قواعد و مقررات جنگ در اسلام و حقوق بین‌الملل می‌پردازیم. در این راستا، جهاد دفاعی و ابتدایی در اسلام، توسل به زور، تجاوز و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد. فرضیه‌ی تحقیق آن است که جهاد دفاعی در اسلام، قدر متیقن مفهوم دفاع مشروع و استثناء مسلم اصل ممنوعیت توسل به زور است و جهاد ابتدایی نیز می‌تواند در مفهوم دفاع مشروع با تفسیر موسع آن قرار گیرد. بنابراین، موازین حقوقی بین‌المللی با جهاد در قرآن در مجموع هم‌خوانی دارد. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی انجام شده و تلاش دارد موازین بین‌المللی در مساله جنگ را با آیات قرآن تطبیق نماید.

۱. جهاد دفاعی - جهاد ابتدایی

در دیدگاه فقه سیاسی، اگر جهاد برای دفاع از مسلمانان و کیان اسلام باشد و آغازگر جنگ، مسلمانان نباشند جهاد دفاعی شکل می‌گیرد. در مشروعیت و وجوب جهاد دفاعی، شکی نیستو برخی از آیات جهاد ناظر به این نوع جهاد هستند، از جمله: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰) عبارت «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» در این آیه شریفه، به روشنی نشان می‌دهد که مقصود، جهاد دفاعی است مشروط به عدم تعدی و تجاوز.

نیز: «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَوُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۳) مشروعیت و وجوب جهاد دفاعی به خوبی در این آیه نمایان است. صلح و حفظ پیمان، اصل و جنگ و جهاد، استثنا است. طبعاً با این اوصاف، جهاد هدفی جز تأمین امنیت مسلمانان ندارد.

در مقابل، اگر آغازگر جنگ، مسلمانان باشند با هر انگیزه و علت غایی که این امر صورت گیرد، جهاد ابتدایی خوانده می‌شود. برخی از آیات ناظر به آن در ادامه خواهد آمد.



برخی از نویسندگان مسلمان، با دخالت دادن عنصر هدف جهاد در تعریف آن، جهاد برای محو شرک و بت پرستی و زمینه سازی برای انتخاب آگاهانه و آزادانه‌ی دین را جهاد ابتدایی دانسته‌اند. (حسینی، ۱۳۸۲: ۴۹)

این گونه تعریف، ضمن این که مورد تردید جدی است و در ادامه در مبحث اهداف جهاد، بررسی می شود، به دیدگاه نامشروع دانستن جهاد ابتدایی براساس معیارهای حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه، دامن می زند، اما دقت نظر در مفهوم شناسی جهاد دفاعی و ابتدایی و بازخوانی آن در مقایسه با مفاهیم دفاع مشروع، توسل به زور، تجاوز و نقض صلح، خودبه خود، بسیاری از اشکالات و ابهامات را مرتفع می کند.

پیش از ادامه بحث، یادکرد نکته‌ای در اینجا سودمند است؛ در فقه سیاسی و تاریخ اسلام، آغازگر جنگ بودن عنصر تعیین کننده جهاد ابتدایی است آن سان که دیگر آن جنگ، دفاعی تلقی نمی شود. در حالی که در مفهوم «دفاع مشروع» آغازگر جنگ بودن یا نبودن، همیشه عنصر اصلی تعریف نیست. هرچند غالباً جنگ دفاعی زمانی شکل می گیرد که کشوری مورد تجاوز قرار گرفته باشد، اما باید دانست این معنی، قدر متیقن موضوع دفاع مشروع است. به گونه‌ای که اگر کشوری در معرض خطر و تجاوز قریب الوقوع قرار داشته باشد و به منظور دفاع، پیش دستی کرده جنگ را آغاز کند، از مصادیق دفاع مشروع خواهد بود. (مقتدر، ۱۳۷۲: ۱۳۳) در مقابل حتی اگر کشوری مورد تجاوز بالفعل قرار گیرد، اما در مقام دفاع، حد متعارف و متناسب دفاع را رعایت نکند و در توسل به زور، افراط نماید، ناقض قواعد ناظر بر دفاع مشروع تلقی می شود. (Niaz, 2007: 99) برآیند این دو مطلب آن است که فقط آغازگر جنگ بودن، در تعیین نوع جنگ (تجاوز یا دفاع مشروع) عنصر تعیین کننده نیست و عناصر دیگری نیز دخالت دارد. امروزه مشروعیت و عدم مشروعیت جنگ، هم از امور ذهنی چون قصد و نیت و هم از امور عینی همچون مورد تجاوز بالقوه یا بالفعل بودن یک کشور، نشأت می گیرد. جنگ به دو نوع مشروع و نامشروع تقسیم می شود؛ جنگ مشروع، جنگ دفاعی (دفاع مشروع در معنای عام خود) و جنگ نامشروع، جنگ تجاوزکارانه به کشور دیگر است. در مقایسه این معیار با تقسیم سنتی فقه از جهاد، نتایج جالب توجهی به دست می آید. برای نمونه، بنابر یک مبنا، جنگ و





جهاد حتّی در مقابل مقدّمه‌چینی‌های نظامی یا هر حرکتی که دفاع را از نظر عقلی توجیه کند مشروع است، اگرچه حمله بالفعلی صورت نگرفته باشد، هرچند از نظر فقه سیاسی اسلام، جهاد ابتدایی خوانده شود. در واقع آنچه در اسلام جهاد دفاعی خوانده شده، قدر متیقّن دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل است و آنچه در حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع تلقّی می‌شود، اعم از جهاد دفاعی و بسیاری از جنگ‌های ابتدایی در اسلام می‌باشد. از نظر حقوق بین‌الملل، هر جهاد ابتدایی، نامشروع نیست، بلکه اگر با تعریف «جرم تجاوز» منطبق شود، نامشروع است. (نک: ضیائی بیگلری، ۱۳۸۸: ۵۴۵) برای اثبات این ادعاها باید سطرهای پیش‌روی این مقاله را دنبال کرد.

۲. جنگ، توسل به زور، تجاوز و نقض صلح در حقوق بین‌الملل

توسل به زور مفهومی گسترده‌تر از جنگ دارد (Bowett, 1958; 145) و هرگونه کاربرد نیروی مسلح در روابط بین‌المللی را شامل می‌شود. این مفهوم، شامل جنگ، دفاع مشروع، مخاصمات و برخوردهای کوچک مرزی و هرگونه عملیات نظامی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود. جنگ از نظر حقوقی، مجموعه اقدامات قهرآمیز علیه کشور دیگر به عنوان ابزار سیاست ملّی و تأمین مصالح و منافع ملّی است. (ضیائی بیگلری، ۱۳۷۳: ۴۵) توسل به زور اعم از جنگ و از سوی دیگر نسبت به مفهوم مداخله دایره‌اش تنگ‌تر است؛ زیرا صرفاً مداخلات زورمدارانه و مسلحانه را شامل می‌شود نه مداخلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. (حیدری، ۱۳۷۶: ۴۷؛ Bowett, 1958; 118)

گذار از مفهوم «جنگ» به مفهوم «توسل به زور» از میثاق جامعه ملل^۱ تا منشور ملل متحد، از آن جهت بوده که کشورها را از توسل به زور به هر شکل، چه جنگ در مفهوم فنی آن باشد یا اقسام دیگر توسل به زور باز دارد.



۱. اساس‌نامه‌ی یک سازمان بین‌المللی جهانی عام، تحت عنوان «جامعه ملل» که بین جنگ جهانی اول و دوم فعال بوده است.

۲. اساس‌نامه‌ی تنها سازمان بین‌المللی جهانی عام با عنوان «سازمان ملل متحد» که پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ تأسیس و تاکنون فعال است.



در خصوص دو واژه «نقض صلح» و «تجاوز»، برخی این دو را مترادف دانسته‌اند. برخی دیگر، نقض صلح را اعم از تجاوز دانسته که طیف وسیعی از موارد و اعمال ناقض صلح از جمله تخلف از کلیه تعهدات بین‌المللی را شامل می‌شود. در عین حال شورای امنیت و مجمع عمومی در قطعنامه‌های خود بسیار به ندرت تعبیر «تجاوز» را به کار می‌برند. حتی از تعبیر «نقض صلح» نیز کمتر استفاده می‌کنند (فلسفی، ۱۳۶۰: ۵۷)؛ زیرا به کارگیری این تعبیر، موضوع را در وضعیتی خاص قرار می‌دهد که ممکن است چاره‌اندیشی سیاسی در موضوع را مشکل کند. (آقایی، ۱۳۸۹: ۷۵) با این حال، از سال ۱۹۹۱ به بعد، تحولاتی در مفهوم «نقض صلح» ملاحظه می‌شود. سرآغاز این تحولات، قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت در مسأله عراق است که در آن، سرکوب مردم عراق به‌ویژه کردهای شمال عراق، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی گردید. (U.N.S.C.Res. 688, 30 I.L.M. 858 (1991)) این مسأله که اساساً امری داخلی است، از آن جهت که منجر به آوارگی دو میلیون انسان به کشورهای همسایه گردید، مسأله‌ای بین‌المللی تلقی شد. این وضعیّت با تصویب قطعنامه ۱۷۱۳ در سال ۱۹۹۱ در بحران یوگسلاوی سابق ادامه یافت. روند یادشده حتی به دخالت نظامی برای اعاده صلح و امنیت در سومالی در سال ۱۹۹۲ براساس فصل ۷ منشور انجامید. مسائلی که پیش از آن، نقض صلح و امنیت بین‌المللی نبود تحت عناوینی همچون ملاحظات و مداخلات انسان‌دوستانه برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، عنوان گردید. «تجاوز» در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی که در سال ۱۹۷۴ صادر شده، چنین تعریف گردید:

تجاوز، اعمال زور یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور یا توسل به اعمالی است که با مقررات منشور مغایرت دارد. (ماده ۱) ماده (۳) قطعنامه، تجاوز را هولناک‌ترین نوع استفاده غیرمشروع از زور دانسته و فقط اعمال زور مسلحانه را تجاوز تلقی کرده و آن را به فشارهای اقتصادی، سیاسی، عقیدتی و تبلیغی تعمیم نداده است.





در ماده (۸) مکرر اساسنامه دیوان بین المللی کیفری رم (۱۹۹۸) که در سال ۲۰۱۰ بازنگری شده است، جرم تجاوز، عبارت است از برنامه ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای عملی تجاوز کارانه، از سوی شخصی که با توجه به جایگاه خود، می تواند به شکلی موثر، عملیات نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت کند و ماهیت، شدت و گستره آن عمل تجاوز کارانه موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می شود. در حقیقت، عمل تجاوز کارانه، به کارگیری نیروهای مسلح علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی دولت دیگر است، به گونه ای که با منشور ملل متحد سازگار نباشد؛ مانند به کارگیری نیرو علیه سرزمین، نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی دولت دیگر، هر نوع اشغال نظامی هر چند موقت، محاصره بنادر و بمباران سرزمین دولتی دیگر (سایت کنفرانس بازنگری

[https://www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/add16852-ae9-4757-abe7--ICC\(9cdc7cf02886/283503/romestatuteng1.pdf](https://www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/add16852-ae9-4757-abe7--ICC(9cdc7cf02886/283503/romestatuteng1.pdf)

بنابراین، جنگ تجاوز کارانه، جنایتی علیه صلح بین المللی است، در نتیجه موجب مسئولیت بین المللی می شود. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۵۴۳).

۲-۱. ممنوعیت توسل به زور در حقوق بین الملل

اولین گام در جهت محدود کردن جنگ، پیدایش نظریه جنگ مشروع و عادلانه در اواخر قرن اول میلادی است که در قرن پنجم توسعه یافت و تا قرن شانزدهم ادامه داشت. طبق این نظریه، جنگی مشروع است که عادلانه باشد. شرایط و اوضاع و احوالی که عادلانه تلقی می شود متنوع بود. ولی به طور عمده دو مورد را شامل می گردید: ۱- موردی که خسارت و زیان غیرقانونی وارد می آمد. ۲- موردی که حقی سلب می شد. در این شرایط، جنگ، قانونی محسوب می شد و البته با حقوق امروز، دارای وجوه مشترک آشکاری است. (مقتدر، ۱۳۷۳: ۱۲۸) سنت آگوستین از نظریه پردازان کلیسای کاتولیک در رابطه با جنگ عادلانه گفته است: «جنگ عادلانه به طور معمول در تعریف آن دسته از جنگ هایی

۱. اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (ICC) که دادگاهی است در لاهه هلند برای رسیدگی و مجازات جرایم بین المللی همچون تجاوز، نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی.





گفته می‌شود که برای انتقام‌جویی در مقابل صدماتی است که بر یک ملت یا شهر وارد شده باشد و مجرمان به سبب جنایتی که انجام داده‌اند کیفر نشده‌اند. بدون شک چنین جنگی عادلانه است؛ زیرا خداوند خود دستور آن را داده است. این طرز تفکر بیش از هزار سال در بخش عظیمی از جهان حکومت داشت (مدنی، ۱۳۸۸: ۱۱۸) تا این که در کنفرانس‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه تلاش‌های مجدد برای محدود کردن جنگ آغاز شد. این روند، پس از جنگ جهانی اول شدت گرفت. پیمان بریان - کلوگ^۱ در ۱۹۲۸، اولین بار جنگ را به طور مطلق ممنوع اعلام کرد. سرانجام منشور سازمان ملل متحد که در حقوق بین‌الملل جایگاه ویژه و والایی دارد نه تنها جنگ بلکه در تعبیری فراتر، در بند (۴) ماده (۲)، هرگونه تهدید و توسل به زور را ممنوع اعلام کرد. به اعتقاد باوت^۲ از آنجا که این ممنوعیت شامل «استفاده یا تهدید به کار برد زور» می‌شود نمی‌تواند شامل فشارهای اقتصادی یا سیاسی و اخلاقی باشد، بلکه در این باره تنها استفاده از زور به طور فیزیکی، یعنی با استعانت از نیروهای مسلح مورد نظر است. (مسائلی، ۱۳۷۱: ۳۰)

برخی از مهم‌ترین قوانین بین‌المللی که «توسل به زور» و مصداق کامل آن «تجاوز» را غیرقانونی دانسته عبارتند از: بند (۴) ماده (۲) منشور (فراسیون، ۱۳۵۴: ۹۷۲)، اعلامیه غیرقانونی بودن مداخله در امور داخلی دولت‌ها^۳ (۱۹۶۵)، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه^۴ و قطعنامه تعریف تجاوز (۱۹۷۴).^۵

۲-۲. استثنائات اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل، دو استثنای مهم نسبت به اصل منع توسل به زور وجود دارد. یکی حق دفاع مشروع و دیگری عملیات نظامی برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی که با مجوز شورای امنیت انجام می‌شود. (Brownlie, 1963: 37) بی‌شک مهم‌ترین استثناء، حق ذاتی دفاع مشروع یا دفاع از خود است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۵۴۶) ماده (۵۱)

۱. Kellog-Briand pact

2. Bowett

3. Declaration on the Inadmissibility of intervention. (GA Res. 2131) (xx), 1965.

4. Declaration of the principles of Int - Law (GA.Res. 2625 (xxv) 1970.

5. Definition of Aggression (G.A.Res. 3314 (XXIX) 1974.

6. Self - defence





منشور مقرر می‌دارد: «در صورت وقوع حمله‌ی مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت، اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی و طبیعی دفاع مشروع یا دفاع از خود - انفرادی یا دسته‌جمعی - لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت». در واقع دفاع مشروع به وضعیتی اطلاق می‌شود که براساس آن، به کشور مورد حمله‌ی مسلحانه، حق می‌دهد تا به فوریت، با هر وسیله‌ی ممکن، به زور متوسل شده و با دفاع از خود، دشمن تجاوزگر را سرکوب کند.^۱ (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۵۴۴) اندیشه دفاع مشروع که ریشه در مکتب حقوق طبیعی دارد، در تمام سیستم‌های حقوقی مشترک است. (مسائلی، ۱۳۷۳: ۴۷) حقوق عرفی پیش از منشور، تفسیر موسعی از دفاع مشروع داشته است، به گونه‌ای که دفاع پیش‌دستانه و حتی پیش‌گیرانه را شامل می‌شده است. (مسائلی، ۱۳۷۳: ۴۹) با این که ماده (۵۱) منشور ملل متحد به صراحت دفاع مشروع را در موردی می‌داند که کشوری مورد حمله مسلحانه قرار گرفته باشد، ولی با توجه به این که تعریف دقیقی از «حمله مسلحانه» ارائه نشده است، زمینه برای تفسیر موسع از مفهوم دفاع مشروع فراهم گردیده است. (Combaco, 1986: 15) در حقیقت، موارد مبهم در منشور سازمان ملل وجود دارد که قابل نقد و زمینه‌ساز تفسیرهای متفاوت گردیده است. (Corten, 2013: 193) چنان که علیرغم عدم وجاهت علمی دخالت نظامی آمریکا و انگلیس در عراق در سال ۲۰۰۳ م، در عمل، تفسیر موسع از قاعده منع توسل به زور و استثنائات آن با تکیه بر قواعد حقوق بشری، بر قواعد منشور سایه افکند. تزلزل قطعنامه ۱۵۱۱ شورای امنیت، در این رابطه که عملیات نظامی آمریکا و انگلیس را نقض حاکمیت عراق تلقی نماید، نشانگر این موضوع است. (Chan, 2013: 16-17) ادعای حمایت از جان و مال و نیز دخالت‌های بشردوستانه در حمایت از افرادی که تحت ظلم قرار گرفته‌اند، گاه در قالب دفاع مشروع توجیه شده است. (Bowett, 1958: 101) نیز ادعای دفاع از خود در برابر تروریسم که در میان حقوق‌دانان غربی طرفدارانی دارد، به

۱. براساس قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت راجع به تروریسم، مفهوم دفاع مشروع، موردی را که حمله‌ی تروریستی انجام گرفته و منقضی شده، سپس دولت مورد حمله، اقدام دفاعی قهرآمیز نظامی انجام می‌دهد را نیز شامل می‌شود. این قطعنامه به نوعی، مفهوم دفاع مشروع را توسعه داده است.





نوعی توسعه در مفهوم دفاع مشروع است. در واقع از آن جهت که تروریسم در نهایت، عملیاتی ضد یک نظام حاکمیتی تلقی می‌شود، توسل به زور به مفهوم دفاع مشروع را توجیه‌پذیر می‌کند. (Ben Yehuda, 1993: 53)

استثنای دیگر نسبت به اصل مزبور، عملیات نظامی کشورهای داوطلب یا مدعو، علیه کشور متجاوز یا ناقض صلح و امنیت بین‌المللی براساس قطعنامه‌های شورای امنیت و با مدیریت سازمان ملل متحد است. طبق ماده (۴۲) منشور، چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده (۴۱) (مجازات‌های دیپلماتیک و اقتصادی) کافی نبوده است، می‌تواند وارد مرحله اقدامات قهری یا استفاده از زور شود و به وسیله نیروهای هوایی، دریایی و زمینی، عملیاتی را که برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند، انجام دهد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۵۴۸). این عملیات در واقع یک نهاد امنیت دسته‌جمعی به مثابه دفاع جمعی از نقض صلح و امنیت بین‌المللی است که می‌تواند به استثنای اول یعنی دفاع مشروع جمعی برگردد.^۱

۳. اصالت صلح و استثنا بودن توسل به جنگ در قرآن

از آیاتی متعدد به روشنی اصل بودن صلح و دوستی و محدود و استثنائی بودن جهاد به دست می‌آید. از جمله:

یک. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ... وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا...» (انفال: ۶۱-۶۰).

آیه ۶۰ بر ترساندن دشمن از طریق آمادگی برای جهاد و نوعی مانور نظامی بازدارنده، دلالت دارد. آیه ۶۱، به خوبی اصالت روابط مسالمت‌آمیز و استثنایی بودن روابط خصمانه را می‌رساند. در واقع، این آیه شریفه می‌گوید: اسلام دین جنگ نیست.



۱. در عین حال، میان حق دفاع مشروع و سیستم امنیت دسته‌جمعی می‌توان این تفاوت را ملاحظه کرد که حق ذاتی دفاع مشروع عمدتاً به صورت فردی و خودجوش توسط کشور مورد تجاوز، انجام می‌گیرد در حالی که سیستم امنیت دسته‌جمعی براساس قطعنامه و دستور شورای امنیت، تکلیفی برای تمامی کشورهای عضو ملل متحد است.



دو. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ...» (ممتحنه: ۹-۸)

آیه ۹، مسلمانان را تنها از دوستی و ارتباط با کسانی باز می‌دارد که بر سر دین و مذهب، به جنگ با مسلمانان آمده و آنها را از خانه و کاشانه بیرون کنند و در این امر، پیشینیان یکدیگر باشند. مفهوم این آیه، می‌تواند دعوت به جهاد با دشمنان این چنین، باشد. نکته حائز اهمیت این است که این جهاد، در واقع جهادی دفاعی است؛ زیرا منشأ آن، فساد، تجاوز و ظلم دشمنان است که با واکنش مسلمانان مواجه می‌شود. نکته دیگر این که معیار دشمن سزاوار جهاد، متخاصم بودن آن است نه کفر و شرک یا معیار دیگر. آیه مبارکه به خوبی و وضوح، صلح و دوستی را اصل، و جهاد را در فرض متخاصم بودن دشمن، و به طور استثنا تجویر یا واجب می‌کند.

سه. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره: ۲۰۸)

آیه یادشده، اهل ایمان را به صلح و سلام دعوت می‌کند و از تبعیت شیطان (در فتنه‌انگیزی و نزاع) برحذر می‌دارد. این آیه نسبت به جهاد و شرایط ویژه آن، ساکت است، اما به نظر می‌رسد در اینجا به خوبی فرهنگ صلح طلبی اسلام به رخ کشیده شده است. همچنین، می‌توان به آیات ۹۰ و ۹۱ سوره نساء اشاره کرد که در آنها، اصل بودن صلح و دوستی، احترام به پیمان‌ها و محدود و استثنائی بودن جهاد، کاملاً مشهود است.

آیات فراوان دیگری نیز به روشنی نشان می‌دهد که اسلام، دین دعوت، هدایت، استدلال، صلح و مسالمت است و مبارزه و برخورد، جنبه استثنا دارد. بررسی تمامی آنها نیازمند مجالی دیگر است. (نک: بقره: ۲۵۶؛ آل عمران: ۶۴ و ۱۰۳؛ انفال: ۴۲؛ نحل: ۱۲۵؛ شورا: ۱۵؛ حجرات: ۹، ۱۰ و ۱۳)





۴. دفاع پیشگیرانه، دفاع یا تجاوز؟

در حقوق بین‌الملل، با وجود این که ماده (۵۱) منشور، تعریف نسبتاً دقیقی از مفهوم دفاع مشروع به دست داده است، اما برخی از حقوق‌دانان و سیاست‌مداران در عرصه حقوق و روابط بین‌الملل با تفسیر موسّع از این ماده، دو عنوان دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه را مطرح کرده‌اند. طبق مفهوم دفاع مشروع پیش‌دستانه حق استفاده از زور برای مقابله با یک حمله قطعی و قریب‌الوقوع مجاز می‌باشد. (مقتدر ۱۳۷۳: ۱۳۳) در معنای وسیع‌تر، حق دفاع مشروع پیش‌گیرانه عنوان گردیده که طبق آن، تنها به صرف احتمال حمله در آینده، به نحوی که شواهد عینی این احتمال را تأیید کند و توطئه‌ای احساس شود، حق توسل به زور در قالب دفاع مشروع وجود دارد. دفاع مشروع پیش‌دستانه مورد تأیید حقوق عرفی بین‌المللی است. (مقتدر ۱۳۷۳: ۱۳۳) اما این که دفاع پیش‌گیرانه را بتوان مصداقی از مفهوم دفاع مشروع و استثنایی بر اصل ممنوعیت توسل به زور دانست سخت مورد تردید است. (نک: موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵: ۳۰۳؛ طرازکوهی و بارین جهان‌بخش، ۱۳۹۲: ۹؛ Sean D., 2005: 3) اغلب حقوق‌دانان حقوق بین‌الملل، توسل به زور در این قالب را مصداقی از «جنگ تجاوزکارانه» می‌دانند. با این وجود برخی معتقدند اگر ارکان دفاع مشروع که عبارتند از: ضرورت دفاع، نیاز فوری، و نبودن راه دیگر برای مقابله با خطر، وجود داشته باشد، با رعایت تناسب دفاع و خطر، دفاع پیش‌گیرانه طبق حقوق عرفی، مجاز و مصداقی از دفاع مشروع است (همان). دولت‌های قدرتمند که طبعاً گرایش بیشتری به استفاده از نیروی قهری در تأمین منافع و مطامع خود دارند، طرفدار تفسیر موسّع از این حق برطبق حقوق عرفی هستند. برعکس، کشورهایی که نمی‌توانند با نیروی نظامی از حقوق خود دفاع کنند، از تفسیر مضیق و محدود دفاع مشروع، طرفداری می‌کنند (همان). طرفداران تفسیر موسّع، علاوه بر ادعای عرفی بودن حق دفاع مشروع پیش‌گیرانه، معتقدند که ماده (۲) منشور دو چیز را در کنار هم ممنوع کرده است، یکی توسل به زور و دیگری تهدید. در مقابل توسل به زور نامشروع، حق ذاتی دفاع مشروع مطرح است و در مقابل تهدید، شامل





هر نوع تهدید قولی یا فعلی، حق ذاتی دفاع مشروع پیش گیرانه، منطقی به نظر می‌رسد. با این تحلیل، در واقع چنین حقی علاوه بر عرف بین‌المللی، ریشه در خود منشور دارد. مخالفان اما معتقدند: ماده (۵۱)، همه حقوق حاکم قبلی (مانند حق عرفی دفاع مشروع پیش گیرانه) را نسخ کرده و جا برای چیزی جز دفاع مشروع (: دفاع مسبوق به حمله مسلحانه) باقی نگذاشته است. (آنتونیو کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۸) طبق منطق حقوقی، با توجه به این که ماده (۲) منشور، منع توسل به زور را بسان اصلی کلی بیان داشته و ماده (۵۱)، دفاع مشروع را استثنا کرده است، می‌بایست در مورد استثنا، به قدر متیقن اکتفا نمود و از تفسیر موسّع به شکلی که موارد مشکوک را شامل شود، خودداری کرد. ضمن این که به واقع، در مورد دفاع مشروع پیش گیرانه، در غالب موارد، ارکان لازم در تحقق دفاع مشروع مانند ضرورت، فوریت و نبودن راه حل جایگزین را نمی‌توان احراز کرد. با این همه، تفسیر موسّع دفاع مشروع در بین حقوق دانان طرفدارانی دارد. مهم تر آنکه در دنیای امروز برخی از قدرت‌های بزرگ پیوسته در توجیه اقدامات خود از آن استفاده می‌کنند و عملاً آن را حقی مسلم می‌دانند. (Niaz, 2007: 99-100) نیک روشن است که چنین تفسیر موسعی از دفاع مشروع، که می‌تواند ابزار خطرناکی در دست قدرت‌های بزرگ باشد، مورد تأیید نیست، لیک نمی‌توان انکار کرد که حرکت خزنده مقررات بین‌المللی به سوی تفسیر موسع از دفاع مشروع است و برخی از قطعنامه‌های شورای امنیت همچون قطعنامه ۱۳۶۸ گامی در این جهت می‌باشد.

۵. دفاع مشروع از نظر فرهنگ اسلامی

اسلام دین بازگشت به فطرت است و حق ذاتی و فطری دفاع مشروع بدون شک مورد قبول اسلام می‌باشد. ادله‌ی عقلی و نقلی بر وجوب جهاد دفاعی دلالت دارد که چیزی جز دفاع مشروع نیست. اما چنان که بیان شد، دفاع مشروع در حقوق امروز، معنای گسترده‌ای پیدا کرده، دفاع پیش‌دستانه و بنابر قولی، دفاع پیش‌گیرانه را نیز شامل می‌شود. با در نظر گرفتن چنین معنایی برای دفاع مشروع، به نظر می‌رسد در تاریخ اسلام جنگ و جهادی روی نداده است مگر این که در قالب دفاع مشروع می‌گنجد. در ادامه‌ی مقاله، به تفصیل





تحلیل آیات قرآن کریم و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در این خصوص خواهد آمد، اما در این مقام، در تأیید مفهوم گسترده برای دفاع مشروع از دیدگاه اسلام می‌توان گفت: از معنای جهاد دفاعی نباید چنین برداشت کرد که حکومت اسلامی باید دست بسته بنشیند تا وقتی به خانه و کاشانه‌اش حمله برند و جنگی خانمان‌سوز راه بیاندازند، به دفاع پردازد، بلکه برعکس به صرف احساس خطر از ناحیه دشمن، شامل آماده‌سازی برای هجوم و جنگ، مسلمانان باید مبادرت به جنگ کرده و خطر را در نطفه خفه کنند. فرمایش امیرمؤمنان (ع): «والله ما غزی قوم قط فی عقر دارهم الا ذلوا» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) را می‌توان تأییدی بر این مدعا دانست. این گونه دفاع مشروع پیش‌گیرانه از برخی آیات کریمه قرآن نیز استفاده می‌شود. در آیه ۵۸ سوره انفال چنین آمده است: «وَإِذَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ: هرگاه براساس نشانه‌های معتبر، از خیانت و عهدشکنی قومی هراسناک شدید به طور عادلانه فسخ پیمان را به آنها اطلاع دهید، خداوند خیانت‌کاران را دوست ندارد». ملاکی که از این آیه شریفه استنباط می‌شود آن است که نباید منتظر ماند تا دشمنان به طور عملی مرتکب خیانت، تجاوز و ظلم شوند. همین که نشانه‌های واضحی بر قصد ارتکاب چنین اعمالی وجود داشت می‌توان به نحو مقتضی دفاع کرد. به طریق اولی اگر از ناحیه دشمنان تمهیدات نظامی اتخاذ شده و نزدیک است که مسلمانان مورد حمله نظامی قرار گیرند، باید پیش‌دستی کرده با صف آرائی مقابل دشمن به مقابله پرداخت. چنان که در جنگ تبوک، وقتی لشکریان روم جسته و گریخته در اطراف مرزهای دارالاسلام به تحرکات نظامی دست زدند، مسلمانان به مقابله برخاستند (نک: واقدی، ۱۴۰۹: ۹۹۰). در این جنگ مسلمانان به ظاهر آغازگر جنگ بودند، ولی در واقع جهاد آنها یک دفاع مشروع پیش‌دستانه تلقی می‌شود.

۶. نظریات در خصوص اهداف جهاد در اسلام و دستاوردهای آن

منظور از هدف جهاد در این بحث، علت غایی جهاد است. دلیل و علتی که باعث جنگ شده و تا آن علت باقی است باید برای نیل به آن هدف جهاد کرد. در این رابطه نظریاتی مطرح شده است که در ذیل بیان می‌گردد. اما پیش از بیان دیدگاه‌ها باید توجه





داشت که اثبات هریک از این نظریات، دستاوردهایی از منظر حقوق بین الملل امروز نیز خواهد داشت. چه بسا با اثبات برخی از این نظریات، جهاد مورد نظر در اسلام از نگاه حقوق بین الملل، مشروع تلقی شود یا نامشروع و تجاوز. نگارنده، فارغ از این مطلب، صرفاً با توجه به ادله قرآنی، روایی و عقلی، موضوع را دنبال می کند، سپس نه برای فرار از برخی از دستاوردها، بلکه مبتنی بر تحلیل آیات قرآن کریم و استدلال مطابق با مذاق شرع مقدس، آنها را به داوری می نشیند.

۶-۱. جهاد با هدف ایدئولوژیک

طبق این دیدگاه، جهاد به شکل ابتدایی با هدف اجبار مردم به پذیرش اسلام صورت می گیرد. کافران یا باید مسلمان شوند یا کشته خواهند شد. تنها مورد استثنا، اهل کتاب، زنان و کودکان هستند. (ابن رشد، ۱۳۹۵: ۳۸۳؛ شافعی، ۱۴۳۲: ۳۹۸؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۵: ۸۷؛ بوطی، ۱۴۱۴: ۹۴)

مهمترین آیات مستند این دیدگاه همراه با بررسی اجمالی آن، عبارتند از:
یک. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» بقره: ۱۹۳.

در آیه شریفه، به جنگ و جهاد تا برچیده شدن فتنه گری و برپایی دین خدا امر شده است. غایت جهاد نیز به حسب ظاهر، دست برداشتن دشمنان از فتنه گری است. برخی از متفکران اسلامی، بر این اساس که «فتنه» به معنی کفر و شرک و «انتهوا» به معنی دست برداشتن از کفر و شرک باشد، آیه را حاوی وجوب مطلق جهاد ابتدایی با هدف بسط توحید می دانند. (حسینی حایری، بی تا: ۳۵؛ منتظری، ۱۴۲۹: ۱۱۶) برخی از مفسران، «انتهاء» را به معنی پذیرش دین اسلام دانسته اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۶۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۹۹) این معنی، برداشت بالا را تا حدی تأیید می کند. بنابراین نظر، علاوه بر این که آیه شریفه بر جهاد ابتدایی با هدف گسترش اسلام دلالت می کند، معیار وجوب جهاد نیز کفر و شرک دشمن است. غایت جنگ حصول ایمان است و تا آن حد، جهاد ادامه پیدا می کند. بنابراین، اصل بر جهاد است و صلح و دوستی صرفاً پس از حصول غایت مورد نظر برقرار می شود.





لیکن اشکال اساسی برداشت یادشده آن است که «فتنه» را شرک و کفر دانسته و طبعا نتیجه آن، لزوم جنگ تا تحقق ایمان از سوی همه افراد است. در حالی که اگر چنین می بود، لفظ کفر و شرک در آیه می آمد نه فتنه! توجه به مفهوم لغوی و موارد کاربرد آن در آیات نشان می دهد که مقصود از فتنه در این جا، تلاش فتنه انگیز آنان برای بی دین کردن مؤمنان بود که به شکل های گوناگون انجام می پذیرفت؛ از القای شبهات اعتقادی گرفته تا شکنجه و قتل. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۶) چه، فتنه در اصل لغت به معنی داخل کردن طلا به درون آتش برای محو ناخالصی های آن است و به همین مناسبت به معنی امتحان و آزمایش به کار می رود. (نک: ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۷۲) در آیات متعدد نیز واژه فتنه به معنی آزمایش به کار رفته است. (نک: تگابین: ۱۵؛ عنکبوت: ۲ و ۱۰؛ بروج: ۱۰؛ ممتحنه: ۵؛ یونس: ۸۵) آیه ۲۱۷ بقره: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» نشان می دهد اقدامات ضد دینی و خصمانه کفار، صحنه آزمایشی را برای مؤمنان فراهم می نمود؛ کافران با استفاده از تمام حربها و حتی حربہ نظامی، برای تغییر عقیده مسلمانان تلاش نموده فتنه گری می کردند و از آن جا که این گونه فتنه گری، خود زمینه ساز مفاسد بی شمار دنیوی و شقاوت و عذاب اخروی می گردد، قرآن آن را بزرگتر از قتل معرفی فرموده است.

دو. «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ...» توبه: ۵.

آیه مبارکه، مسلمانان را به قتال با مشرکان پس از سپری شدن ماه های حرام دعوت می کند. ممکن است از این آیه، وجوب جهاد ابتدایی با هدف ایدئولوژیک یعنی با هدف پذیرش اجباری اسلام به ذهن متبادر می شود، اما با دقت بیشتر در این آیه و آیات قبل و بعد این سوره و دیگر آیات باب جهاد متوجه می شویم این برداشت، صحیح نیست. اگر سؤال شود که کدام مشرکان مورد نظرند و امر به جهاد با آنان شده است؟ قطعاً بدون در نظر گرفتن آیات قبل - همچون آیه ۴ - و بعد این سوره که مشحون از توصیف مشرکان مستحق جهاد است نمی توان به آن پاسخ داد. بدین جهت، برخی از مفسران گفته اند: آیه، مطلق است و با آیات بعدی تقیید می خورد و ناظر به جهاد با مشرکانی است که پیمان شکن





هستند و یا به مخالفت علنی با اسلام و مسلمانان برخاسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ۳۲)

در واقع با این قبیل مشرکان، به جهت متخاصم بودن، و نه به سبب شرک و کفر، باید جهاد کرد. نتیجه این که اگر به فرض عده‌ای از مشرکان، پیمان شکن نبوده جنگ و مخاصمه‌ای با مسلمانان داشته باشند، جهاد با ایشان وجهی ندارد.

سه. «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» توبه: ۲۹.

آیه شریفه به جهاد با کافران اهل کتاب امر می‌کند تا زمانی که با قرارداد ذمه و پرداخت جزیه، تحت الحمایه حکومت الهی در آیند. فراز آخر آیه نشان می‌دهد که هدف از قتال با اهل کتاب، خضوع و تسلیم آنان در برابر آیین و مقررات اسلامی و حکومت عدل دینی است که خود نشانه پذیرش زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان و حفظ حریم‌ها است، به گونه‌ای که خود را هم‌مطراز جامعه مسلمانان ندانند تا در نتیجه، براساس تمایلات و هوس‌های خود، به ترویج عقاید باطل و رفتارهای فسادانگیز پردازند. بنابراین، جنگ برای اجبار بر ایمان نیست، بویژه آن که طبق نقل، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله و سلم با آنها که قرارداد می‌بستند شرط می‌کردند که فرزندان‌شان را مجبور به پذیرش دین خاص نکنند. (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۲۳۹) این آیه ناظر به اهل کتاب ساکن در داخل کشور اسلامی است (: اقلیت‌های دینی) و بدیهی است هیچ حکومتی با گروه‌هایی که در برابر قانون قد علم کنند مماشات نمی‌کند.

۶-۲. جهاد با هدف توسعه دارالاسلام

برخی، هدف اصلی و اولیه جهاد را توسعه محدوده حکومت اسلامی و دارالاسلام می‌دانند. البته این امر، خود آثاری در حفظ امنیت و آرامش و ترویج دین اسلام به مثابه اهداف ثانویه خواهد داشت. (جعفریان، ۱۳۸۲: ۳۵۶)

دستاوردهای این نظریه، کم و بیش همانند نظریه اول است، جز در این مسأله که هدف جهاد، مبارزه با حکومت‌های کافر است نه کفار به سبب کفرشان. بنابراین، باید میان افراد نظامی و غیرنظامی تفکیک کرد، اما حکومت کفر چه متخاصم و چه غیرمتخاصم باید





جان آنها و دور کردن دشمن لازم باشد. البته در این راستا فتح برخی از مناطق، ضرورت دارد. (عبده، ۲۰۰۵: ۱۳۱)

تحلیل‌های یادشده ذیل آیات پیش گفته، گواه این مدعاست و عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز این را تأیید می‌کند. به طور کلی، روش حضرت، ابتدا دعوت به اسلام بود، اما وقتی آنها از پذیرش سرباز زدند، فوراً حکم جهاد صادر نمی‌شد، بلکه جهاد وقتی مطرح می‌شده که کافران و سران کفر، به مسلمانان ظلم و ستم روا داشته و ابراز دشمنی می‌کردند.

براین اساس، اعتقاد به مشروعیت جهاد ابتدایی با کفار یا وجوب آن صرفاً به سبب کفر آنان، بی‌آن که دشمنی و خصومت با مسلمانان داشته باشند قابل اثبات نیست. جنگ و جهاد مشروع و واجب در اسلام همانا جهاد دفاعی است. البته دفاع به معنای وسیع آن که در عالم سیاست مطرح است. دفاع در این معنی، شامل پیش‌دستی در جنگ و دفاع پیش‌گیرانه می‌شود، بلکه در معنای وسیع‌تر، دفاع از حق حکومت و جامعه نسبت به حیات انسانی را نیز شامل می‌گردد. برای مثال، اگر آب را بر حکومت اسلامی می‌بستند به گونه‌ای که امکان دفع این ظلم و تجاوز نبود مگر با جنگ، این جنگ را باید جهاد دفاعی دانست. سایر حقوق جامعه و حکومت اسلامی نیز اگر مورد تعرض قرار گیرد و استیفای آن جز با جنگ ممکن نباشد، باید این جهاد را، دفاعی تلقی کرد و معنای عرفی و عقلایی دفاع همین است. (حب الله، ۲۰۱۱: ۳۳۴/۴). بسیاری از علمای شیعه و سنی به این نظر متمایلند. (بلاغی، ۱۴۱۳: ۲۲۰؛ زحیلی، ۱۳۸۵: ۹۰؛ قرضاوی، ۲۰۰۹: ۴۴۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۴۸؛ شمس‌الدین، ۱۹۹۷: ۱۰۷) برخی از عالمان، مفهوم دفاع را از این هم گسترده‌تر گرفته و جهاد در اسلام را اصولاً برای دفاع از حقوق انسانی دانسته‌اند. یکی از حقوق انسانی، بلکه مهم‌ترین آن، اعتقاد به توحید است. جهاد برای از میان برداشتن ریشه و منشا عقیده شرک، در حقیقت دفاع از حقوق انسانی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۶۶؛ مطهری، ۱۳۷۹: ۸۰؛ منتظری، ۱۴۲۹: ۱۱۵). با این حال، به نظر می‌رسد این بیان ضمن این که در آن حقیقتی انکارناپذیر نهفته است، در عین حال از مفهوم متداول دفاع در نزد عرف، دور است. حتی مفهوم موسّع دفاع مشروع نیز چنین معنایی را بر نمی‌تابد.



۲- در بازخوانی مفهوم جهاد دفاعی و ابتدایی براساس معیارهای مشروعیت جنگ در حقوق بین‌الملل، جهاد دفاعی، مصداق کامل و قدر متیقن مفهوم دفاع مشروع و استثناء مسلم اصل ممنوعیت توسل به زور است. آنچه در فقه با معیار شروع به جنگ، جهاد ابتدایی خوانده می‌شود، طبق تحلیل‌های انجام گرفته، می‌تواند در مفهوم دفاع مشروع با تفسیر موسع آن قرار گیرد.

۳- جنگ ابتدایی، به این معنی که گروهی، به هدف بسط جغرافیایی سیاسی یا عقیدتی و یا هر منظور دیگر، به ملتی دیگر حمله برند، بی‌آن که از سوی آنان مورد تعرض یا تهدید یا توطئه‌چینی قبلی قرار گرفته باشند، امروزه، «تجاوز» و مصداق بارز جنگ نامشروع است. اما طبق بررسی انجام شده در این مقاله، به ادله عقلی و نقلی، ثبوت چنین جنگی از منظر اسلام، مشروعیت ندارد. اثباتاً هم چنین جنگی با این اوصاف، در حکومت پیامبر اکرم (ص) واقع نشده است. جنگ‌های صدر اسلام، جملگی در قالب‌های مشروع توسل به زور، مانند دفاع مشروع پیش‌دستانه و نیز مداخلات و ملاحظات انسان‌دوستانه جای می‌گیرد و توجیه‌پذیر است.

۴- صرف کفر و شرک، ملاک و علت جهاد نیست، بلکه ابراز خصومت دشمن در معنای عام، شامل تهاجم، تهدید، توطئه‌چینی، نقض عهد، مزاحمت و ممانعت از آزادی‌های اساسی، جنگ و جهاد را مشروع، بلکه واجب می‌گرداند. (جهاد دفاعی).

۵- از نقطه نظر دفاعی یا تهاجمی بودن جهاد و هدف آن، آیات مربوطه را می‌توان در دو دسته قرار داد: دسته نخست: آیاتی که به روشنی، بر اصالت روابط مسالمت‌آمیز و استثنایی بودن روابط خصمانه دلالت دارد. دسته دوم: آیاتی که به ظاهر، بر اصالت جهاد و قتال و به‌ویژه جهاد ابتدایی با اهداف ایدئولوژیکی دلالت دارد. لیک بررسی دقیق‌تر این آیات و قرار دادن آن‌ها در کنار آیات دسته نخست، برداشت‌های اولیه و گاه ناصواب را تصحیح می‌کند. در حقیقت، براینده کلی آیات، اصالت صلح و محدودیت جنگ و جهاد است.

۶- اقدامات غلط سلفیه جهادی ناشی از برداشت‌های ناصواب از آیات جهاد و تلفیق نامیمون آن با نظریه تکفیر است که منجر به فجایع انسانی گردیده و چهره زشتی از اسلام به نمایش گذاشته است.





منابع:

- (۱) ابن رشد، محمد بن احمد، ۱۳۹۵ق، بدايه المجتهد و نهايه المقتصد، قاهره، انتشارات مصطفى البابي، ج ۴، ج ۱.
- (۲) ابن سعد، محمد، ۱۴۱۸ق، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلميه، ج ۲، ج ۱.
- (۳) ابن فارس، احمد بن زكريا، ۱۴۰۲ق، معجم مقاييس اللغة، تهران، مكتب الاعلام الاسلامي، بی چا، ج ۴.
- (۴) آقايي، سيد داوود، ۱۳۸۹ش، حقوق سازمان های بين المللی، بی جا. انتشارات پیام نور، بی چا.
- (۵) بلاغي، محمد جواد، ۱۴۱۳ق، الرحلة المدرسيه، قم، مركز احیاء التراث الاسلامي، ج ۲.
- (۶) بوطي، محمد سعيد رمضان، ۱۴۱۴ق، الجهاد في الاسلام، دمشق، دارالفكر، ج ۱.
- (۷) جعفریان، رسول، ۱۳۸۲ش، سیره ی رسول خدا صلى الله عليه وآله و سلم، تهران، بی نا، ج ۲.
- (۸) حب الله، حيدر، ۲۰۱۱م، دراسات في الفقه الاسلامي المعاصر، بی جا، دارالفقه الاسلامي المعاصر، ج ۱.
- (۹) حسینی، سيد ابراهيم، ۱۳۸۲ش، اصل منع توسل به زور و موارد استثنای آن در اسلام و حقوق بين الملل معاصر، بی جا، نشر معارف، ج ۱.
- (۱۰) حیدری، حمید، ۱۳۷۶ش، توسل به زور در روابط بين الملل از دیدگاه حقوق بين الملل عمومي و فقه شيعه، تهران، بی نا، ج ۱.
- (۱۱) زحيلي، وهبه، ۱۳۸۵ق، آثار الحرب في الفقه الاسلامي، بيروت، دارالفكر، ج ۲.
- (۱۲) شافعي، محمد بن ادريس، ۱۴۲۲ق، الأم، قاهره، دارالوفاء، ج ۱، ج ۵.
- (۱۳) شاکری، ابوالحسن و سلمان پور، عباس، ۱۳۹۶ش، «دفاع پیشگیرانه در حقوق ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۱۶.
- (۱۴) شریفی طراز کوهی، حسین، بارین جهان بخش، ویکتور، ۱۳۹۲ش، «دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یک»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ش ۴۰.
- (۱۵) شمس الدین، محمد مهدی، ۱۹۹۷م، جهاد الأمه، بيروت، بی نا، بی چا.





(۱۶) صالحی نجف آبادی، نعمت الله، ۱۳۸۲ش، جهاد در اسلام، تهران، نشرنی، چ ۱.
(۱۷) ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۸ش، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، بی چا.

(۱۸) طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.

(۱۹) عبده، محمد، ۲۰۰۵م، رساله التوحید، بی جا، مکتبه الأسرة، بی چا.
(۲۰) فراسیون، محمد، ۱۳۵۴ش، راهنمای سازمان ملل، تهران، انتشارات وزارت علوم، بی چا.

(۲۱) فضل الله، محمدحسین، ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، چ ۲، ج ۵.

(۲۲) فلسفی، هدایت الله، ۱۳۶۰ش، «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۸.

(۲۳) فوزان، صالح، ۱۴۳۰ق، احکام التعامل مع غیرالمسلمین، ریاض، دار کنوز اشبیلیا، چ ۱.

(۲۴) قرضاوی، یوسف، ۲۰۰۹م، فقه الجهاد، قاهره، مکتبه وهبه، چ ۲.
(۲۵) کاسسه، آنتونیو، ۱۳۷۰ش، حقوق بین الملل در جهان نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، دفتر خدمات حقوق بین الملل، بی چا.

(۲۶) مدنی، جلال الدین، ۱۳۸۸ش، حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط بین الملل، تهران، پایدار، بی چا.

(۲۷) مسائلی، محمود، ارفعی، عالیہ، ۱۳۷۳ش، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، تهران، انتشارات وزارت خارجه، بی چا.

(۲۸) مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹ش، جهاد، تهران، صدرا، چ ۱۱.

(۲۹) مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۱، ج ۱.

(۳۰) مقتدر، هوشنگ، ۱۳۷۲ش، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات وزارت خارجه، بی چا.

(۳۱) مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۶۹ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۷، ج ۲۴.





۳۲) منتظری، حسین علی، ۱۴۲۹ق، حکومت دینی و حقوق انسان، قم، ارغوان دانش، چ ۱.

۳۳) موسوی، سیدفضل الله و حاتمی، مهدی، ۱۳۸۵ش، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۲.

۳۴) مهاجر، ابو عبدالله، بی‌تا، مسائل من فقه الجهاد، بی‌جا، بی‌نا، بی‌چا.

۳۵) واقدی، محمد، ۱۴۰۹ق، المغازی، بیروت، اعلمی، ج ۳، ج ۳.

- 36) Ben-Yehuda, Nozman (1993), political assassinations by Jews, suny press.
- 37) Bowett, William, (1958) self-defense in international law, New York: Manchester university pres.
- 38) Brownlie, Ian, (1963) , International Law and the use of force by states.
- 39) Capella B Matthew, Emile Sahliyea (2007), "Suicide Terrorism" Is Religion the Critical Factor? Security Journal. No. 20.
- 40) Chan, Kenneth (2013) State Failur and the changing Face of the Jus and Bellum, Journal of Conflict and Security law.
- 41) Combaco J. (1986) the exception of self-defense in united nations practice in cases. Ed. The carrent legal regulation of the use of force, martinus nijhof publishers.
- 42) Corten, Oliver (2013) Regulation Resort to force: A Response to Matthew Waxman from a Bright- Liner, European Journal of International Low, Vol. 24(1)
- 43) Declaration of the principles of Int – Law 1970. (GA. Res – 2625 (xxv)
- 44) Declaration on the Inadmissibility of intervention. 1965. (GA Res. 2131 (xxv)
- 45) Definition of Aggression, (1974). (G.A. Res. 3314 (xxix)
- 46) Niaz, A, Shah, (2007) Self-defense, Anticipatory Self-defense and Pre-emption: International Law's Response to Terrorism Journal of Conflict & Security Law, Oxford University Press.
- 47) Sean D. Murphy (2005), The Doctrine of Preemptive Self-Defense, GW Law Faculty Publications & Other Works
- 48) United Nations Securify Council (U.N.S.C), (1991), Res. 688, 30 I.M.858

